

تأثیر پیشگیری از جرم، در امنیت نقاط پر جمعیت استان البرز

سماء قربانی^۱

از صفحه ۹ تا ۳۷

دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۵

چکیده

همواره تراکم جمعیت، از نظر دانش جرم‌شناسی، دغدغه‌ای به منظور افزایش نرخ جرایم و بالتبع کاهش امنیت در جوامع بوده است. با رشد آهنگ شهرنشینی، خواه ناخواه شاهد تراکم جمعیت در نقاط خاصی از شهرها بخصوص کلانشهرها هستیم. از این رو، وظیفه مهمی بر دوش حافظان امنیت عمومی است که با اتخاذ روش‌هایی، ترجیحا با سلاحی غیر کیفی، از رشد جرایم در نقاط پر جرم پیشگیری کرده و امنیت را به شهر بازگردانند. استان البرز به عنوان چهارمین کلانشهر، با توجه به موقعیت جغرافیایی از لحاظ نزدیکی به پایتخت و دیگر عوامل، بسیار مستعد و مناسب برای مهاجرپذیری است. لذا به طور طبیعی، شاهد تراکم جمعیت و در نتیجه احتمال افزایش جرایم در این استان هستیم.

این پژوهش بر آن است که با اتکاء بر نظرات سه رشته علمی: جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و جغرافیای شهری به بررسی علل و ابعاد تراکم جمعیت با اتکاء بر سه دانش فوق پرداخته و در انتها بر مبنای پیشگیری نسبت به کاهش نرخ جرایم در نقاط پر جمعیت، نظراتی ارائه دهد.

روش تحقیق در این پژوهش، کاربردی و توصیفی است و داده‌ها از طریق فیش‌برداری و روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع علمی و پژوهشی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: پیشگیری، جرم، امنیت، پر جمعیت، استان البرز.

مقدمه

از دیرباز تاکنون، امنیت به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری، توجه دول و ملل مختلف را به خود معطوف ساخته است. در بررسی علل پیدایش شهر و اینکه چرا اجتماعات بشری در محیطی به نام شهر گرد هم آمده‌اند، تاکنون دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضادی مطرح شده است، اما وجه غالب و مشترک در تمامی دیدگاه‌ها، بحث امنیت است. به تعبیری، مسأله امنیت در پیدایش شهرها به عنوان یکی از مهمترین ضروریات مطرح بوده است. با گذشت سالیان متمادی از نخستین اجتماع بشری، شهرها با گسترش وسیع جغرافیایی و جمعیتی مواجه و درگیر انواع مسائل مختلف در چارچوب زندگی شهری بوده‌اند. بحث امنیت به عنوان مهمترین مسائل در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، مد نظر قرار گرفته است (مؤمنی، ۱۳۹۴: ۲۷).

از نقطه نظر جرم‌شناسی، همانا جرم، ناسازگاری افراد در اجتماع و عمل ضداجتماعی است. در شهرهای جهان، جرایم معمول، تهدیدی جدی برای حیات، تمامیت فردی و دارایی انسان‌هاست. وقوع بیش از حد این جرایم در محیط‌های شهری نه فقط با اصول مسلم نظم اجتماعی تعارض دارد، بلکه همراه خود ضایعات سنگین، سختی و رنج انسان‌ها، به هدر رفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به ارمغان می‌آورد.

از دیداد جمعیت، تراکم شهرها و صنعتی شدن هرچه بیشتر جوامع، پیامدهای مثبت و منفی را به همراه دارند. در این بین، جرم، از پیامدهای منفی و عمده‌ای است که تأثیر بسیاری بر رفاه افراد، خانواده‌ها و جوامع می‌گذارد (هرناندو، ۱۳۸۰: ۱۱). کج رفتاری، تخلف عمدی از هنجارهای اجتماعی است. با مطالعه کج رفتاری، درک بهتری از نظم اجتماعی به دست می‌آید و نیز چگونگی سازمان یافتن الگوها و شیوه‌های زندگی کج رفتاران مشخص می‌شود. کج رفتاری به عنوان یک پدیده اجتماعی، حداقل از دو طریق عمده مورد مطالعه قرار گرفته است:

الف) به عنوان واقعیتی عینی

ب) به عنوان مسأله‌ای ذهنی (صدیقی سروستانی، ۱۳۸۳: ۱).

این در حالی است که یکی از مهمترین چالش‌های موجود در بیشتر کشورهای دنیا، افزایش جرایم در بعد کمی و کیفی و تأثیر عواقب مخرب آن بر زندگی اشخاص جامعه است. این معضل در ابتدا با توجه به نظریه‌های سزاگرا و محافظه کارانه، مبنی بر اصرار بر تأکید بازدارندگی قوانین

کیفری و روش‌های رسمی یا قانونی برخورد با جرم، یعنی اعمال مجازات و اقدامات مؤثر برای دستگیری مرتکبان و تقویت پلیس و دستگاه قضائی مهار می‌شد؛ با این وجود، کاهش نیافتن آمار جرایم از این طریق و تقویت دیدگاه‌های پیشگیرانه که به دنبال مبارزه با عوامل به وجودآورنده جرم از طریق اصلاحات فردی یا اجتماعی بود، موجب شد که پیشگیری از جرم، دیدگاه غالب قلمداد شده و دولت‌ها سرمایه‌گذاری وسیعی را در این حوزه اعمال کنند. بدیهی است که نگاه دولت‌ها به مقوله پیشگیری، نشأت گرفته از بافت سیاسی، فرهنگی و ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنهاست و اگرچه پیدایش جرایم سازمان یافته و حملات تروریستی و ... موجب بزه دیده واقع شدن خیلی از کشورها و اشتراک آنها در این زمینه شده است، اما شاخصه‌های اختصاصی یاد شده در هر جامعه موجب شکل‌گیری الگوی خاصی از پیشگیری در آن کشور خواهد بود (شاو، ۱۳۹۴: ۱۷۲). تأکید اصلی نظریات جامعه‌شناسانه جرایم بر دخیل بودن محیط اجتماعی و انسانی در بروز انحرافات اجتماعی است. به عقیده دورکیم^۱، جرم‌خیزی و ارتکاب جرایم در ساختار شهری، پدیده‌ای طبیعی و اجتماعی است. وی ریشه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی شهر جست و جو می‌کند و در نتیجه، علت را در میان کارکرد ساخت‌های اجتماعی می‌یابد (بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۲).

ساختار جامعه شهری منجر به ارتکاب جرایمی می‌شود که نمی‌توان نظیر آن را در سایر نقاط دید. شهرها دارای نقاط کور زیادی بوده و مستعد جرایم بیشتری نسبت به سایر نقاط هستند. ابعاد محیط‌های شهری و ناشناس بودن مردم برای یکدیگر، از جمله دلایل اصلی جرم است. از نظر دانش جرم‌شناسی، شهرنشینی فی‌نفسه منجر به ایجاد فرصت‌های بیشتری برای ارتکاب جرم شده و فقدان یا ضعف کنترل‌های غیررسمی اجتماعی، زمینه را برای فعالیت‌های مجرمانه فراهم می‌کند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، به جرم بیشتر از این حیث نگرینسته می‌شود که تخلف از هنجارهای مقبول اجتماعی یا ارائه هنجارهایی مغایر است. تعریف جرم، هر چه که باشد، در جرایم شهری، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی و البته متخصصان علم جغرافیای شهری به هم می‌رسند و متخصصان این سه رشته، بی‌آنکه عنصر قانون را نادیده بگیرند، به بررسی دلایل ارتکاب جرایم در مناطق شهری می‌پردازند. از این حیث، جرایم شهری، جرایمی هستند که در

محیط شهری روی می‌دهند و منظور از محیط شهری، همان مفهوم جغرافیایی و اجتماعی آن است؛ بدین ترتیب علاوه بر حومه شهر، شامل اشخاصی نیز می‌شود که به طور غیررسمی در حاشیه شهرها اسکان دارند (بوتوم و ویلز، ۱۹۹۵: ۳).

گوناگونی نیز از این حیث تعیین‌کننده است؛ زیرا در شهرها افرادی با ویژگی‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و ... در کنار هم زندگی می‌کنند و تمام این عوامل و تفاوت‌ها یا تبعیض در داشتن این ویژگی‌ها، خود زمینه جرایمی را فراهم می‌کند که تصور ارتکاب آنها در محیط روستایی ممکن نیست.

بیان مسأله

ساختار جمعیتی، بخصوص تراکم جمعیت که در نتیجه عوامل مختلف از جمله مهاجرت در نقطه‌ای از شهر ممکن است ایجاد شود، می‌تواند منجر به ارتکاب جرایم متعددی شود که امنیت را به خطر اندازد.

در ایران و استان‌های آن به لحاظ برخورداری از خدمات عمومی، عدم تعادل زیادی به چشم می‌خورد. مهمترین دلیل افزایش این عدم تعادل و نابرابری‌ها، شناسایی نکردن ابعاد آن و سیاست‌های اجرایی نامتناسب برای رسیدن به اهداف یادشده است. در این بین، استان البرز همچون دیگر استان‌های کشور، به پیروی از قانون مرکز پیرامون از نظر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی، شرایط مطلوبی نداشته و در سطح‌بندی خدمات و نظام سکونتگاهی فاقد تعادل است؛ به گونه‌ای که بیشترین امکانات و خدمات در شهرستان کرج متمرکز شده و ناگزیر آن را به قطب جاذب جمعیت تبدیل کرده است. مناطق دیگر استان به دلیل قابلیت‌های محدود و ناچیز خدماتی، توان پرتوافشانی به پیرامون خود را ندارند و نمی‌توانند نقشی قوی به عنوان کانون‌های انتشار توسعه ایفا کنند. شهرستان کرج به دلیل داشتن مرکزیت سیاسی و تمرکز خدمات و امکانات در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قطب رشد بودن آن در زمینه برخورداری از شاخص‌های مورد بررسی، جاذب جمعیت بوده و این امر، عاملی بر تراکم بیشتر جمعیت در این شهرستان است؛ از این رو، خدمات ارائه شده نیز متناسب

با جمعیت نبوده و نسبت به آن کمتر است. اینجاست که تراکم جمعیت می‌تواند زمینه‌ساز جرم شود.

به طور مثال، در مناطق شلوغ، جرایمی چون سرقت، جیب‌بری و منازعه ارتکاب می‌یابد. افزون بر این، نهادهای پیشگیری از جرایم شهری و روش‌های معمول برای این امر نیز در مناطق شهری، متفاوت از سایر مناطق هستند. عدم‌آشنایی مردم با یکدیگر، نیازهای خاص مالی و پدیده‌هایی همچون اعتیاد به مواد مخدر، ارتباطات ویژه و امکانات خاص شهری نیز از جمله عوامل جرم‌ساز در شهرها هستند. اندازه مهم است؛ زیرا با افزایش جمعیت، افرادی با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند که هیچگونه وابستگی‌ای به هم نداشته و نسبت به یکدیگر غریبه محسوب می‌شوند. همین امر منجر به شکل‌گیری طبقات مختلفی از حیث اجتماعی، میان مردم می‌شود. تراکم نیز فی‌نفسه باعث ارتکاب جرایمی است که نظیر آن در محیط‌های غیرشهری یافت نمی‌شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

البرز، دومین استان مهاجرپذیر در ایران - بعد از تهران - است. پیش‌بینی شده است تا دو دهه آینده حدود نیمی از جمعیت کشور در منطقه جغرافیایی البرز متمرکز شوند و گفته شده است بخش قابل توجهی از این مهاجران در استان البرز مأوا گزینند. استاندار البرز پیش‌بینی کرده است که جمعیت کرج تا سال ۱۴۰۰ به مرز هفت میلیون نفر برسد. بدیهی است تمام افرادی که جذب استان البرز شده و به آنجا مهاجرت کرده‌اند، از شرایط اقتصادی مناسبی برخوردار نبوده و حتی ممکن است برای ادامه زندگی، مجبور به سکونت در مناطق فقیرنشین یا حاشیه‌های شهر شوند. از طرفی احتمال بزهکاری افرادی که در محله‌های پرجمعیت و فقیرنشین شهرها یا در آلودگی‌ها و زاعه‌های حاشیه شهرها با حداقل امکانات رفاهی زندگی می‌کنند، به مراتب بیش از افرادی است که در محلات کم جمعیت و مرفه شهر سکونت دارند. آنچه اهمیت تراکم جمعیت را در این استان بیشتر می‌کند ارتکاب جرایم مختلف است؛ زیرا تراکم جمعیت موجب کاهش تماس و افزایش تنش‌ها می‌شود. همچنین تراکم جمعیت، منجر به ایجاد فاصله اجتماعی می‌شود. از این رو، افزایش خشونت، جرایم و آسیب‌های اجتماعی از پیامدهای آن است.

هزینه و توانی که صرف مقابله با جرایم در نقاط پر جمعیت استان البرز می‌شود، می‌تواند در ابعاد دیگر توسعه یافتگی استان هزینه و باعث شکوفایی این قطب مهاجرپذیر شود. لذا هدف از نگارش این پژوهش این بود که از طریق شناسایی انواع پیشگیری‌ها و استفاده از دانش‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و البته جغرافیای محیطی به شناسایی عوامل جرم‌زا در محیط‌های پر جمعیت پرداخته شود و با ارائه پیشنهادات، نسبت به کاهش جرایم در محیط‌های پر تراکم شهرها پرداخته شود.

هدف تحقیق

با توجه به مطالب فوق، هدف اصلی پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- ۱- شناسایی و بررسی عوامل مختلف ایجادکننده جرم در مناطق پر جمعیت از نقطه‌نظرهای مختلف جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و جغرافیای شهری
- ۲- بررسی اقدامات انجام شده در زمینه پیشگیری از جرم در استان البرز

پیشینه و ادبیات تحقیق

پیش از این، در زمینه پژوهش حاضر، کارهای پژوهشی در خصوص جرایم شهری و البته پیشگیری به معنای خاص صورت گرفته که به چند نمونه اشاره می‌شود:

- ۱- فرجی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی سیاست‌های نوسازی بافت فرسوده شهری کرج» به اولویت‌بندی و شناسایی سیاست‌های مهم و تأثیرگذار بر نوسازی بافت فرسوده شهر کرج پرداخته است که در نتیجه، محقق به استفاده از تشکل مردم نهاد در محدوده محلات فرسوده و ساز و کارهای حمایتی برای تسریع فرایند بهسازی بافت‌های فرسوده اشاره کرده است.
- ۲- اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان البرز»، با اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی‌ها در هر شهرستان استان البرز به این نتیجه رسیده است که شهرستان‌های کرج، ساوجبلاغ و نظرآباد از نظر پراکنش خدمات عمومی در پایین‌ترین سطح قرار دارند.

۳- محمد خانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی نواحی مستعد و استقرار جمعیت و فعالیت با توجه به توان‌های محیطی استان تهران و البرز»، با رویکردی آمایشی به شناخت مناطق مستعد استقرار جمعیت و فعالیت و نقاط حساس و آسیب‌پذیر اشاره و در نتیجه، پیشنهادهاتی را ارائه کرده است؛ من جمله در زمینه اراضی جنوب غربی استان به استقرار جمعیت و اراضی جنوب شرقی به استقرار فعالیت‌های صنفی در نظر گرفته شود.

۴- نظریان و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نظرات جرم‌شناسی محیطی در ارتباط با پیشگیری از بزهکاری در محیط شهری» به رویکرد محیط و جرم‌شناسی محیطی در ارتباط با پیشگیری از جرم پرداخته است و محقق به این نتیجه رسیده است که چگونه محیط، باعث به وجود آمدن عملی مجرمانه می‌شود.

۵- گلی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی روند مهاجرت‌های بین استانی ایران در سه دهه اخیر» به بررسی روند مهاجرت‌های استانی پس از انقلاب و ویژگی‌های جمعیتی مهاجران و عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مهاجرت‌های داخلی پرداخته است و محقق در نهایت به این نتیجه رسیده است که بیشترین نوع مهاجرت، از نوع نیروی کار و تعداد آن رو به افزایش است.

۶- تیرتامدورم (۲۰۰۹) در ژورنال گزارشات توسعه انسانی؛ برنامه‌های توسعه سازمان ملل، بیان می‌کند که حرکت جمعیت در اندونزی در زمینه وسیعی از توسعه انسانی رخ می‌دهد. در این مقاله، حرکت بشر، به عنوان یک انتخاب شخصی، در پاسخ به تغییرات ساختاری در جامعه در نظر گرفته می‌شود. محقق نتیجه می‌گیرد که مهاجرت در اندونزی نتیجه ترکیب این عوامل است: رسوم ملی مهاجرت، شرایط اقتصادی و مداخله دولت.

۷- لو (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان «الگوهای فضایی جرایم محله‌ای در شهرهای کانادا: بر اساس نفوذ در محله‌ها و شهر»، به بررسی پراکندگی فضایی جرایم شهری در شش شهر کانادا با استفاده از روش تجزیه و تحلیل مدل چندسطحی و تکنیک رگرسیون فضایی پرداخت. نتایج پژوهش در این شهرها نشان می‌دهد که جرایم شهری به صورت تصادفی در سطح این شهرها توزیع نشده‌اند، بلکه در محله‌های خاصی بویژه

در اطراف مراکز شهرها متمرکز شده‌اند. علاوه بر این، در شهرهای بزرگتر مثل تورنتو و مونترال، توزیع فضایی جرم، الگوی پراکنده‌تری را با چندین کانون جرم نشان می‌دهد.

آنچه در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود و متمایز از پژوهش‌های قبل است، شناسایی تلفیقی دلایل به وجود آمدن جرم در نقاط پرجمعیت از منظر مختلف جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و جغرافیای محیطی است که در پژوهش‌های قبل صورت نگرفته است.

پرسش‌های تحقیق

الف) پرسش اصلی:

عوامل مؤثر ایجاد جرم در نقاط پرجمعیت چیست؟

ب) پرسش فرعی:

تأثیر داده‌های علوم مختلف در پیشگیری از جرم چیست؟

روش انجام تحقیق

پژوهش حاضر بر اساسی روش توصیفی- تحلیلی، گردآوری داده‌ها بر اساس روش کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری و تحلیل بر اساس پژوهش‌ها و کتب مرتبط با موضوع است.

۱- چالش تراکم جمعیت

سابقهٔ پیرامون تأثیر تراکم در رفتارهای ناهنجار اجتماعی، به دههٔ ۱۹۲۰ بازمی‌گردد که بیشتر این مطالعات در دو حوزهٔ جامعه‌شناسی و روانشناسی صورت گرفته است (شمس و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۹). براساس دیدگاه محیط‌شناسی انسانی، تراکم جمعیت موجب کاهش تماس و افزایش تنش‌ها و نیز به ایجاد فاصلهٔ اجتماعی منجر می‌شود. از این رو، افزایش خشونت، جرایم و آسیب‌های اجتماعی از پیامدهای آن است (نقدی، ۱۳۸۲: ۶۴). در سال ۱۹۸۶ آنگلز^۱، در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات کرد. وی همچنین معتقد به وجود ارتباط بین افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر

بود (کلانتری، ۱۳۸۶: ۸۰). در نتیجه، احتمال بزهکاری افرادی که در محله‌های پر جمعیت و فقیرنشین شهرها یا در آلودگی‌ها و زاغه‌های حاشیه شهرها با حداقل امکانات رفاهی زندگی می‌کنند، به مراتب بیش از افرادی است که در محلات کم جمعیت و مرفه شهرها سکونت دارند. لویس ویرث^۱ عنوان می‌کند که «جمعیت زیاد، به عنوان ایجادکننده گوناگونی خصوصیات، به صورت منطقی اختلافات بالقوه میان مردم را تشدید می‌کند و از سوی دیگر، ساختار اخلاقی شهر و محله به سمت حالت بی‌هنجاری حرکت می‌کند». وی تأکید دارد که افزایش اندازه شهرها و محدوده‌ی محلات، فرصت‌های شناخت عمیق میان افراد را کاهش می‌دهد و این امر، به تماس‌های ثانوی و بی‌تفاوتی نسبت به دیگران می‌انجامد (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۱۷). عده‌ی دیگری از محققان نیز موضوع تراکم جمعیت را مهم دانسته و بیان می‌کنند: «محدودیت در اندازه و تراکم جمعیت برای برقراری روابط اجتماعی ضروری است و ملاقات‌ها و روابط چهره به چهره را بهتر امکان‌پذیر می‌کند» (تولایی، ۱۳۷۹: ۳۹). در مورد تراکم، توجه به حاشیه و مرکز شهرها و بافت‌های قدیمی متراکم و فشرده اهمیت زیادی دارد و باید در این زمینه مطالعه و برنامه‌ریزی صورت گیرد. در واقع، تراکم در محلات باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که در فضا در طول شبانه روز، حد متوسطی از شهروندان برای فعالیت حضور داشته باشند و این کار را می‌توان با مکان‌یابی بهینه‌ی کاربری‌ها و فضاهای مسکونی در بافت محلات انجام داد. همچنین، در طراحی ساختمان‌ها باید حدی متوسط از جمعیت را برای اسکان در نظر گرفت و تا حد امکان از بلندمرتبه‌سازی، که افزایش تراکم در واحد سطح را به دنبال دارد، در بافت محلات جلوگیری کرد. همچنین، طراحی‌ها باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که از ریزدانی بافت محلات و گسترده‌ی بیش از حد محدوده و مرز محلات جلوگیری شود.

۲- تأثیر جغرافیای شهری بر تراکم جمعیت در نقاط پر جرم

❖ در برخورد با مسأله جرایم شهری با بررسی و مطالعه ادبیات موضوع مشخص می‌شود که جرایم شهری در دو سطح قابل تحلیل فضایی‌اند:

✓ تحلیل‌های میکرو فردی^۱ که بر تفاوت رفتارهای اجتماعی که میان افراد مجرم و افراد غیر مجرم وجود دارد.

✓ تحلیل ماکرو اکولوژیکی^۲ که بر نقش زمینه‌های اجتماعی در پراکندگی جرم میان واحدهای فضایی تأکید دارد.

تحلیل فضایی جرم در سطوح مخالف مثل بلوک‌های شهری، محله‌ها، نواحی، مناطق شهری و در نهایت در سطوح کشور قابل بررسی است (Luo, 2012:4).

امروزه جغرافی دانان، توجه ویژه‌ای به جرایم شهری و مکانیسم‌های مؤثر بر آن داشته‌اند. آنچه در بررسی جغرافیای جرایم شهری اهمیت دارد، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی از نوع منفی و ناهنجار است. در واقع، این موضوع که طی چند دهه اخیر به مطالعات جغرافیای شهری افزوده شده است، چارچوب عملی برای تحلیل فضایی و مکانی جرم و مطالعه ناهنجاری‌ها با فضا و زمان را در محدوده شهرها فراهم می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۰: ۶۳).

گسترش غیرمنظم بافت شهری و بدون توجه به امکانات رفاهی و خدمات شهری از مهمترین معضلات کلانشهر کرج است. شهر کرج را می‌توان به صورت شهری خطی در امتداد محور قدیم کرج - قزوین (خیابان تهران - خیابان قزوین) در نظر گرفت که هرچه از محدوده فوق‌الذکر فاصله بیشتری بگیریم، با کمبود امکانات شهری ضروری مانند خدمات حمل و نقل عمومی، دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی و مدارس مواجه می‌شویم. علاوه براین، معضل توسعه نامناسب قسمت‌هایی از شهر مانند: حسن‌آباد، اشتراکی، احداثی، زمین‌های خانم انصاری و موارد مشابه که عموماً در چهار دهه اخیر رخ داده است، منجر به دشواری کار شهرداری‌ها و سایر ارگان‌های خدمت‌رسان شده است که این موضوع بالتبع، خود می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از نابرابری‌های اجتماعی باشد و در نتیجه فراهم‌آورنده ارتکاب جرم در سطح شهر است که شاهد آن هستیم.

از جهتی بافت‌های فرسوده در استان البرز، می‌توانند زمینه‌ساز ارتکاب جرایم مختلف باشند. این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنان و مالکان آنها امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و نیز

1. Micro Individual analyses
2. Micro – ecological analyses

سرمایه‌گذاران نیز انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در آن ندارند. آنچه می‌تواند به افزایش جرم کمک کند طراحی فضایی قدیمی که شامل انواع فضاهای دنج و نفوذناپذیر در ساختمان‌هاست و عنصر ناپایداری نیز وضع بسیاری از آنها را به صورت مخروبه و نیمه‌مخروبه درآورده است، به همراه نفوذناپذیری معابر و کوچه‌ها و شکل تو در تو آنها هدف مناسبی برای وقوع جرم توسط افراد بزهکار است. در شهر کرج مناطقی چون اسلام‌آباد، مصباح و قلمستان، حصارک بالا و پایین و خط ۴ حصار در وضعیت فرسودگی بالایی قرار دارند.

در زمینه پراکندگی جرایم شهری و رابطه تراکم جمعیت با نوع و میزان جرایم شهری، می‌توان نظریه‌ها را در چند موضوع مهم تقسیم‌بندی کرد:

الف) نظریه کانون‌های جرم‌خیز

اصطلاح کانون‌های جرم‌خیز، نخستین بار توسط شرمن و برگر در سال ۱۹۶۹ و برای تحلیل مکانی بزهکاری استفاده شد. این واژه بیانگر یک مکان یا محدوده جغرافیایی است که میزان بزهکاری در آن بسیار بالاست. حدود این مکان می‌تواند بخشی از یک شهر، یک محله، چند خیابان مجاور و حتی ممکن است یک خانه یا یک مجتمع مسکونی باشد. برخی نیز در تعریف «کانون‌های جرم‌خیز» آن را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش‌بینی، حداقل در یک دوره زمانی یک ساله دانسته‌اند (عباسی ورکی، ۱۳۸۷: ۵۷).

مرکز کاهش بزهکاری متعلق به وزارت انگلستان، کانون‌های جرم‌خیز را به شرح زیر توضیح داده است:

«یک ناحیه جغرافیایی که در آن، وقوع بزه از حد متوسط بالاتر است و یا ناحیه‌ای که وقوع بزهکاری در آن نسبت به توزیع جرم در کل ناحیه متمرکزتر است.» مطابق این تعریف «کانون‌های جرم‌خیز» محدوده‌های مشخص و معینی است که سهم زیادی از کل جرایم در کل محدوده‌ی مورد مطالعه را در خود جای داده است (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۴).

محققان مکتب بوم‌شناسی جنایی یا شیکاگو، با این هدف رابطه بین ساختار بزهکاری و شهرسازی را مورد مطالعه قرار داده‌اند که دریابند آیا بزهکاری در شهرها تابع منطق منطقه‌ای و محلی است یا خیر، و اسم آن فضاها را مناطق بزهکاری نامیدند. مطالعات آنها بیانگر آن بود که محل زندگی بزهکاران، صرف‌نظر از ادوار زمانی مورد بررسی، محله‌های

مشابه است و به رغم جا به جایی و عوض شدن جمعیت آن محله یا منطقه‌ی مسکونی خاص، نرخ جرم تغییری نمی‌کند. مطالعات از روی نقشه نشان می‌داد که در محله‌هایی که نظم اجتماعی از هم گسیخته است، بزهکاری بیشتر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۵۰). بنابراین، استدلال جرم‌شناسان متأثر از مکتب شیکاگو آن است که زیست‌بوم جنایی، محله‌ها و مناطق بزهکاری به عنوان علل جرم اهمیت بسزایی دارند و هدف‌های مناسبی برای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه هستند؛ رویکردی که در منظر اول از حاشیه شهرها به عنوان کانون‌های جرم‌خیز یاد می‌کند و مناطقی را که بزهکاری در آنها تمرکز یافته است، به عنوان نقاط کانونی جرم معرفی می‌کند. این اماکن در ترسیم نیمرخ جنایی شهر، نقشه‌نگاری جرم و تعیین موقعیت‌های آسیب‌پذیر امنیتی - اجتماعی شهری، حائز اهمیت تلقی شده و به عنوان مبنای تحلیل‌ها و تبیین بزهکاری محسوب می‌شوند.

با این تفاسیر، جرم یک پدیده مکانی است و لذا طبقه‌بندی مکانی جرایم می‌تواند در شناسایی تناسب میان برخی جرایم با برخی مکان‌ها کمک شایان توجهی کند (مقیمی، ۱۳۹۵: ۸۳۳).

برگس، یکی از صاحب‌نظران اصلی این مکتب، بر این باور است که در مناطق پرجمعیت به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، میزان بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین میزان جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۲).

ب) نظریه‌های بوم‌شناختی و جمعیتی

نظریه‌های بوم‌شناختی و جمعیت‌شناختی مکتب شیکاگو توسط جامعه‌شناسانی چون پارک و برگس مطرح شد. آنها در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت (مانند زبان، قومیت، مهاجرت، منطقه‌های سکونت و تراکم جمعیتی) تمرکز کردند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم، برخی رفتارهای انحرافی مانند خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو بررسی کردند و هدفشان درک تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی، مانند: بعد خانوار، تراکم و مهاجرت و عوامل بوم‌شناختی، مانند: قومیت، نژاد و محل سکونت بود. آنها بر

بی‌سازمانی اجتماعی تأکید کرده، جرم بزهکاری را مورد مطالعه ویژه قرار دادند (پورموسوی و سایر همکاران، ۱۳۹۰: ۶۴).

پ) نظریه طراحی شهری

➤ نظریه مکان‌های منحرف: نظریه مکان‌های منحرف^۱ که توسط «رودنی استارک^۲» ابداع شد، نظریه‌ای اکولوژیکی راجع به جرم است که مبتنی بر ۳۰ گزاره است، اما مهمترین آنها براساس موضوع تحقیق حاضر عبارت اند از:

گزاره اول: هرچه تراکم یک محله بیشتر باشد، از جنبه نظارتی جرم کمتر است (رودنی^۳، ۱۹۸۷)، اما مطالعاتی هم نشان داده‌اند که هنگامی که تراکم جمعیت از حدی تجاوز کند، افراد، فوق‌العاده پرخاشجو می‌شوند؛ زیرا حداقل سرزمین لازم برای شکوفایی در اختیار آنان نیست (بیات و همکاران، ۱۳۷۸: ۹۶).

گزاره دوم: هرچه خانه‌ها پرجمعیت‌تر باشند، گرایش به خروج از خانه و حضور در مکان‌ها و شرایطی که میزان انگیزه و فرصت انحراف را افزایش می‌دهند، بیشتر است.

گزاره سوم: هرچه خانه‌ها پرجمعیت‌تر باشند، میزان نظارت والدین بر فرزندان کمتر است.

گزاره چهارم: محله‌های فقیر، گرایش بیشتری به استفاده ترکیبی از همسایگی دارند.

➤ رویکردهای فرصت

رویکردهای فرصت^۴ در جرم‌شناسی، به قلمرو و مکان وقوع جرم توجه کرده و بر این اساس استوارند که برخی موقعیت‌ها برای جرم مساعدتر از سایر موقعیت‌ها هستند. «گراسمیک و همکارانش» فرصت را موقعیتی می‌دانند که عمل جرم در آن ممکن می‌شود. «تایتل و همکارانش» نیز معتقدند که در تبیین فضای مفهومی فرصت باید بین زمینه بی‌واسطه و بلافصل فیزیکی آن و بخش‌های فردی موقعیت، مثل تصمیم‌گیری درباره انجام دادن یا ندادن جرم تمایز قائل شد. به عبارتی فرصت جرم، زمانی وجود دارد که یک عمل مجرمانه مشخص از نظر

-
1. Deviant Places
 2. Rodney Stark
 3. Rodney
 4. Opportunity approach

فیزیکی ممکن باشد. مانند نبود نگهبان مسلح در بانک یا قفل‌های قابل شکستن (احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۲۵۹، فلسن و کلارک ۱۹۹۸).

➤ رویکردهای پیشگیری مکانی

این رویکردها عمدتاً به پیشگیری از جرم تأکید کرده‌اند تا بر علل وقوع جرم. این رویکردها در پیشگیری از جرم، بر مکان وقوع جرم، طراحی و مدیریت مکان تأکید دارند (احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۲۵۹). در واقع این رویکردها، به رویکردهای پیشگیری از موقعیت جرم^۱ معروف‌اند که «کلارک» آن را به عنوان ابزارهای کاهش فرصت جرم^۲ تعریف می‌کند که:

- ۱- برای اشکال بسیار خاص جرم طراحی شده‌اند. ۲- مدیریت، طراحی یا دستکاری محیط بلافصل یا حتی‌الامکان به شیوه‌ای منظم و دائمی مورد نظر دارد. ۳- ارتکاب و ریسک جرم را دشوارتر می‌سازد (بارنت، ۲۰۰۲: ۷۰). رویکردهای پیشگیری مکانی شامل دسته‌بندی‌های زیادی است که مهمترین آن، رویکرد پیشگیری از طریق طراحی محیط^۳ است. این رویکرد اولین بار توسط جرم‌شناسی به نام «رای جعفری»^۴ در سال ۱۹۷۷ مطرح شد و بعدها در نظریه فضای قابل دفاع «اسکار نیومن» توسعه یافت. نیومن با طرح نظریه «فضای قابل دفاع» بر تأثیر خصوصیات فیزیکی محله مسکونی بر میزان جرم در آن تأکید و اذعان کرد که خصوصیات معماری، طرح فیزیکی و نقشه ساختمان‌های مسکونی بر الگوی روابط بین افراد محله و نظارت اجتماعی غیر رسمی تأثیر می‌گذارد.

۳- تأثیر دانش جامعه‌شناسی در تراکم جمعیت در نقاط پر جرم

الف) تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی

نظریه‌های روان‌شناختی اجتماعی، انحراف، بزهکاری و جرم را بر اساس ابعاد کنش متقابل موجود در درون موقعیت‌های اجتماعی که انحراف اجتماعی در آن رخ می‌دهد مورد مطالعه قرار

-
1. Situational crime prevention
 2. Opportunity-reducing measures
 3. Crime Prevention through Environmental design
 4. C. Ray Jeffery

می‌دهد. پیش‌فرض اساسی در روان‌شناسی اجتماعی این است که انحراف اجتماعی در فرایند کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۳: ۹۰).

نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر با رویکرد وفاق اجتماعی و تضاد بر نقش اساسی محیط اجتماعی در شکل‌گیری انحرافات اجتماعی تأکید کرده‌اند. نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه آنومی دورکیم، مرتن و پارسونز و نظریه بوم‌شناختی پارک و برپس که با رویکرد وفاق اجتماعی به تبیین پدیده انحراف اجتماعی پرداخته‌اند، به حفظ وضع موجود باور داشته و جامعه را نظامی متشکل از اجزای سازگار با یکدیگر و در حال نظم و تعادل می‌دانند. در این رویکرد، انحرافات اجتماعی در راستای برهم خوردن نظم و تعادل اجتماعی و به عنوان تهدیدی برای ثبات و دوام نظام اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و بر حسب نظم اجتماعی تبیین می‌شود (احمدی، ۱۳۸۳: ۴۸).

ب) شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر افزایش احساس امنیت نقاط پر جمعیت

➤ هویت محلات

تعلق محله‌ای یک اصطلاح مورد استفاده در روان‌شناسی محیطی است و براساس آن، بین ساکنان و محیط و موقعیت اجتماعی و فیزیکی آنها پیوستگی برقرار است (pinter, 2010: 43). احساس تعلق به یک محله‌ی مسکونی، هویت محله‌ای تعریف می‌شود (fouth, 2004: 8-9).

بسیاری از نظریه‌پردازان در زمینه تأثیر هویت و میزان احساس امنیت اظهار نظر کرده‌اند (مری، ۱۹۸۱: ۳۲). نتایج به دست آمده از نظریه محققان، این‌گونه نمایان شد که افرادی که هیچ نوع پیوند یا ارتباط اجتماعی نداشتند ترس بیشتری از جرایم داشتند (فیشر ۱۹۸۲: ۷۰) و همچنین، بی‌اعتمادی بین همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها موجب می‌شود تا ارتباطات کمتری با یکدیگر داشته باشند. نبود ارتباطات و فضای بی‌اعتمادی موجب می‌شود ساکنان به دنیای بیرون از خود، ترس نشان داده و احساس امنیت کمتری را تجربه کنند. براساس تئوری جاکوبز^۱، احساس تعلق به محله و تعهد داشتن به آن، نقش مهمتری نسبت به حضور پلیس در کنترل اوضاع محله و امنیت محل دارد. در این میان، محله‌های قدیمی نسبت به

محلله‌های جدید به علت روابط عمیق عاطفی و اجتماعی، بیشتر می‌توانند امنیت عاطفی ساکنان خود را تأمین کنند. علاوه بر این، محلله‌های قدیمی و مدت طولانی سکونت افراد در یک محله، عاملی مهم در شناسایی افراد و در پی آن، کنترل جرایم و افزایش امنیت است. البته نباید یافته اساسی مکتب شیکاگو را از نظر دور داشت که در جریان تحول شهرها، محلله‌های قدیمی کم‌کم به تصرف تازه واردهایی درمی‌آید که به دلایل مختلف از جمله ناشناس بودن، زمینه را برای ظهور انواع کجرویی‌ها فراهم می‌کند. در نتیجه، با توجه به شرایط امروزه‌ی محلات که هویت بافت‌های قدیمی به علت حضور تازه‌واردان در حال از بین رفتن است، می‌توان با ایجاد شرایط کالبدی مناسب، هویت شهروندان را در محلات تقویت کرد. باید توجه داشت بافت کالبدی و اجتماعی محله، تأثیر متقابل بر یکدیگر دارد و گاهی بافت کالبدی زمینه‌ساز مسائل اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، یکی از مهمترین آثار محیطی کالبدی، ایجاد تعلق مکانی است که تا حدود زیادی با هویت مکانی در ارتباط است. در نتیجه، با تعریف مناسب مرزها و مشخص شدن قلمرو برای افراد، احساس تعلق به محیط افزایش می‌یابد. در واقع، قلمروگرایی مجموعه‌ی رفتارها و شناخت‌هایی است که یک فرد یا گروه بر مبنای تصور مالکیتی که از فضای فیزیکی دارد، بروز می‌دهد و می‌کوشد تعلق خاطر شهروندان را در مورد اموال و دارایی آنان و دیگر فضاهای عمومی افزایش دهد (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱). همچنین، برای جذب مردم به فضای اجتماعی و افزایش هویت محله، باید شاخص‌های امنیتی، دسترسی پیاده، نظارت اجتماعی و اجرای مراسم جمعی و آیینی در فضای شهری وجود داشته باشد. بر این اساس، احیای مراکز هویت بخش محله‌ای اهمیت زیادی دارد. مردم محله برای بهبود کیفیت و امنیت محله‌ی خود، باید نهادهای مشارکتی و اجتماعی تشکیل دهند. این نهادهای مشارکتی، شورای محله، انجمن شهر، شوراهای شهری و مساجد هستند. مسجدها از جمله فضاهای عمومی است که نقش فراوانی در ایجاد نظم عمومی و امنیت محله دارد و نهادی بسیار مناسب برای جلوگیری از بروز جرم و جنایت و ایجاد امنیت در سطح محله است. انجمن‌های شهری و شوراهای که در حال حاضر در سطح شهر، ناحیه و محلات شکل گرفته‌اند نیز یکی از گزینه‌های بسیار مناسب برای مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور و نظم و امنیت عمومی و نظارت بر وقایع شهر و محله‌ی خود هستند. تقویت امنیت و هویت از یک سو و مباحث

مربوط به برنامه‌ریزی و ساماندهی ساختار شهری توسط برنامه‌ریزان از سوی دیگر و همچنین توجه به تقویت مرزهای محله موجب می‌شود افراد، احساس تعلق و امنیت بیشتری کنند (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱).

با توجه به مطالب فوق، ذکر این مطلب ضروری است که افرادی که در محله‌های پرجمعیت ساکن و اکثراً از قشر فقیر و کم درآمد جامعه هستند، به طور قطع تمایلی به احساس تعلق داشتن به محله خود و یا حتی شرکت در انجمن‌ها و ... را ندارند؛ لذا این به درایت ساکناناران امنیت عمومی، سیاستمداران در حوزه‌های مختلف جامعه که همانا نهادهای خدمتگزار عمومی هستند، بازمی‌گردد تا ضمن فراهم‌سازی بستر خدمت‌رسانی به این افراد، البته در جهت توسعه محلات، در سطح همان شوراهای محله‌ای نیز این افراد را از نظر مالی و فرهنگی مورد حمایت قرار دهند. البته در این راستا، در شهر کرج راه‌اندازی سرای محلات با اهداف مدیریت شهری و بویژه بهبود سبک زندگی و ترویج فرهنگ شهروندی، گامی اساسی و جدی است.

➤ نظارت طبیعی و غیررسمی

در مناطق مسکونی، می‌توان نظارت طبیعی را با طراحی مطلوب مسکن و به حداقل رساندن موانع - که موجب کاهش دید می‌شود- و همچنین افزایش هویت و پیوند محله‌ای گسترش داد. سارقان بر اهمیت نظارت ساکنان محله صحنه گذاشته‌اند و بعد از مالکان، همسایگان را مهمترین افراد برای نظارت بر محله معرفی کرده‌اند. از لحاظ نظری، عابران، خیابان‌ها را امن‌تر، پر جنب و جوش‌تر و برای تماشا جالب می‌کنند. علاوه بر این، محلاتی که مناسب برای پیاده‌روی طراحی شده‌اند، رفت و آمد بیشتر عابران پیاده را ممکن می‌سازند و موجب افزایش نظارت و تأثیرگذاری بر امنیت می‌شوند. جاکوبز در مورد خودانتظامی بودن یک خیابان چنین توضیح می‌دهد: باید چشم‌هایی همواره خیابان را بنگرند؛ چشم‌های کسانی که ما همواره آنان را مالکان طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم. پیاده‌روهای خیابان، به منظور افزایش چشم‌های ناظر بر خیابان، باید به صورت مداوم استفاده شود و به ساکنان، شیوه نظارت بر خیابان آموزش داده شود. پیش‌نیاز اساسی برای مراقبت از محله، تعداد شایان توجهی از مغازه‌ها و دیگر فضاهای عمومی است که در طول پیاده‌روهای یک محدوده پراکنده شده‌اند (افشارکهن و رحیقی یزدی، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۵)

۴- تأثیر داده‌های جرم‌شناسی در تراکم جمعیت در نقاط پر جرم

دانش جرم‌شناسی میت واند ارتباط منطقی بین رفتارهای بزهکارانه را با شیوه زندگی افراد، مورد تحلیل قرار دهد و متناسب با داده‌های به دست آمده، روش‌های پیشگیرانه‌ای ارائه دهد. در نقاط پر جمعیت فعالیت‌های مجرمانه افراد که به تناسب سبک زندگی، فقر، بیکاری و اعتیاد که آنان را به سکونت در مناطق پر جمعیت مجاب کرده، زیاد است. تفاوت در میزان فقر و رفاه به عنوان عوامل تأثیرگذار در تنوع میزان جرم است. برای بررسی ارتباط بین نابرابری و جرم، تفاوت‌های درآمدی افراد فقیر و غنی می‌تواند در زمان سنجش میزان جرم در شهرهای مختلف مورد استفاده قرار گیرد. رفتارهای مجرمانه به عنوان بخشی از ساختار جوامع است و تضادهای اقتصادی- اجتماعی نتیجه‌ای از این ساختار است. به طور کلی، جرم پیامد تلاش فقرا برای ایجاد حضور بهتر برای خودشان است. اینها عوامل ریشه‌ای هستند که بالقوه می‌توانند زمینه‌ساز جرایم مختلف باشند. استان البرز نیز با توجه به مهاجرت افرادی که از شهرهای خود به سبب بیکاری و فقر به امید اینکه به پایتخت نزدیک می‌شوند به این استان مهاجرت کرده‌اند، سبب تراکم جمعیت و افزایش جرایم شده‌اند.

مهمترین پیامد این مهاجرت‌ها و تراکم جمعیت، حاشیه‌نشینی است. تاکنون ۲۹ سکونتگاه غیرمصوب و سه سکونتگاه مصوب در استان البرز شناسایی شده که نه تنها اصول شهرسازی در آنها رعایت نشده، بلکه ساکنان آن از هرگونه امکانات بهداشتی، درمانی و آموزشی محرومند.^۱ این نابرابری‌ها دقیقاً نقطه عطفی برای ارتکاب جرایم گوناگون است و بر مبنای نظریه فشار مرتن، افراد ساکن این سکونتگاه‌ها بر اثر فشار ناشی از نابرابری اجتماعی دست به ارتکاب جرم می‌زنند. آنچه در استان البرز در این مناطق شاهد آن هستیم نزاع و درگیری خیابانی، اعتیاد، خشونت خانگی، فساد اخلاقی و سرقت است.

استان البرز با داشتن شش شهرستان و چند منطقه حاشیه‌ای و نیز وجود ۴ زندان بزرگ کشور، به عنوان یکی از بسترهای آسیب‌زا در آن شناخته شده است. تعارض خرده فرهنگ‌ها به سبب مهاجرت از ایلات به مناطق حاشیه‌نشین از یک طرف سبب درگیری و نزاع دسته جمعی می‌شود و از طرف دیگر، در کنار عواملی چون بیکاری، فقر، اعتیاد و ... می‌تواند زمینه‌ساز

۱. منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا»

جرایمی مثل قتل باشد. وجود زندان‌ها در کرج معضلاتی را به همراه دارد. به عنوان مثال، در خصوص آزادی زندانی‌ها شاهد اتفاقاتی هستیم که خود زمینه‌ساز وقوع جرم است؛ بدین صورت که زندانی با جیب خالی و بدون همراه داشتن کمترین امکانات مثلاً کفش و لباس مناسب از زندان آزاد می‌شود و این موجب شروع سرقت و ارتکاب جرم از همان جلوی در زندان است. شاید داده‌های جرم‌شناسان به کنشگران عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این پیام را القاء کند که آنچه هزینه‌های جرم در این مناطق نام دارد، شاید اگر به طور ریشه‌ای با استفاده از منابع ملی و استفاده از سرمایه‌های داخلی در جهت رفاه شهروندان کشورمان در مبارزه با فقر، بیکاری و بهبود شرایط زندگی صرف شود، شاهد کاهش چشمگیر جرایم خواهیم بود.

۵- روش‌های کنترل و پیشگیری در نقاط پر جمعیت

نقش عمده‌ی نهادهای پیشگیری و حفاظت اجتماعی تقلیل عوامل منجر به جرایم است؛ زیرا کاهش عوامل جرم‌زا، مهمترین و بهترین روش برای پیشگیری از این جرایم است. این شیوه از پیشگیری، بدون اینکه به کیفر مجرم پردازد، زمینه‌های تحدید حوزه‌ی عملیاتی و فعالیت و شیوه‌ی کار او را فراهم ساخته و شهروندان را در اجتناب از محقق ساختن شرایط جرایم شهری یاری می‌دهد. به علاوه، فقدان برخی عوامل جرم را تسهیل می‌کنند. نهادهای پیشگیری می‌توانند تا حدود زیادی در برطرف کردن این نواقص و فراهم ساختن زمینه‌ی امنیت شهروندان مؤثر باشند.

الف) تعریف پیشگیری

در فرهنگ معین، «پیشگیری^۱» در لغت به معنای جلوگیری -دفع- منع سرایت مرض از پیش تقدم به حفظ - صیانت- حفظ صحت- جلوی مرض گرفتن آمده است (معین: ۹۳۳). در تعریف اصطلاحی، «پیشگیری اجتماعی^۲» به معنای «پیش‌دستی کردن و جلوی چیزی رفتن و نیز آگاه و هشدار دادن در سطح اجتماعی است (رجبی پور، ۱۳۸۲: ۱۴).

-
1. Prevention
 2. Social Prevention

از نظر ریشه‌شناسی، کلمه پیشگیری دارای دو بعد است:

- ✓ به معنای «پیش‌دستی کردن - پیش‌گرفتن و به جلوی چیزی رفتن»
 - ✓ به معنای «آگاه کردن - خبر چیزی را دادن و هشدار دادن است». و پیشگیری از جرم به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعال زیان‌آور محتمل فرد یا گروه و یا هر دوی آنها به عمل می‌آید. مثل پیشگیری از جرایم جوانان و پیشگیری از حوادث (رجبی‌پور، ۱۳۸۲: ۵).
- حال آنکه این پیشگیری که از آن صحبت به میان آمد، بخصوص در نقاط پر جمعیت می‌تواند به شکل‌های مختلف ظاهر شود که مهمترین آنها عبارتند از:
- پیشگیری اجتماعی
 - پیشگیری وضعی که در ادامه به تحلیل هر یک پرداخته می‌شود.

ب) پیشگیری اجتماعی

کنترل اجتماعی، توان گروه‌های اجتماعی یا مؤسسات، برای اثربخشی قواعد و هنجارهاست. نتیجه تأثیر هنجارها و آداب اجتماعی، هماهنگ شدن شخص با جامعه و پیشگیری از نابهنجاری است. به عقیده موريس کوسون^۱، کنترل اجتماعی شامل «مجموعه شیوه‌هایی می‌شود که اعضای یک جامعه از طریق توسل به آنها هم‌نوايي ضروری برای زندگی مشترک را به خود تحمیل می‌کنند». بنابراین، مراد از کنترل بزهکاری به طور دقیق‌تر، مجموعه شیوه‌هایی است که انسان‌ها به منظور جلوگیری یا محدود کردن جرم به کار می‌برند (گسن، ۱۳۷۶: ۶۰۹).

پیشگیری اجتماعی عبارت از تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردم در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم است. پیشگیری اجتماعی در واقع همان پیشگیری کنشی یا غیرکیفری یا پیشین است که پیش از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد^۲ (شیری، ۱۳۸۶: ۱۸).

1. Mourais cousin

۲. تعریف پیشگیری اجتماعی طبق بند الف ماده یک لایحه

پیشگیری اجتماعی به دو نوع تقسیم می‌شود:

✓ پیشگیری اجتماعی جامعه مدار^۱:

منظور از پیشگیری جامعه مدار، خنثی کردن عوامل جرم‌زا در محیط است. در واقع این نوع پیشگیری، دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که هدف آن کاهش یا حذف علل جرم‌زا در محیط اجتماعی است و در اصل برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری در اجتماع‌های محلی و مسکونی کمک می‌کند، طراحی می‌شود.

در این راستا، با راه اندازی سامانه «سجام» یا «سامانه جامع اطلاعات مردمی» وابسته به قوه قضائیه، این امکان برای مردم و سازمان‌های مردم نهاد فراهم شده است که به بهترین شکل ممکن در مدیریت اجتماعی جامعه خود مشارکت داشته باشند. همزمان با این طرح، رئیس دادگستری استان البرز از عضویت و فعالیت ۶۰۰ دیده‌بان پیشگیری در استان خبر داد.^۲

✓ پیشگیری اجتماعی رشد مدار^۳:

منظور از پیشگیری رشد مدار آن است که اگر طفل، به دلیلی از خود مظاهر بزهکاری نشان داد با مداخله زودرس بر روی محیط پیرامون وی جلوی فرض شدن بزهکاری را در آینده بگیریم. پیشگیری رشد مدار به دلیل اهمیت دوران رشد طفل و نقش محیط در پیشگیری از بزهکاری ارزش زیادی دارد. در این راستا معاون اجتماعی دادگستری کل استان البرز از برگزاری کارگاه آموزش ۲۳ مهارت پیشگیری رشد مدار ویژه مدرسان آموزش خانواده در نواحی ۱،۳،۴ آموزش و پرورش شهرستان کرج و در ناحیه ۲ و همچنین آموزش و پرورش شهرستان‌های طالقان، اشتهارد، هشتگرد و نظر آباد، خیرداد. مهمترین هدف از برگزاری این کارگاه‌ها برای والدین از طریق مدرسین منتخب و آموزش دیده در این کارگاه‌ها، تقویت عوامل محافظتی و خنثی کردن عوامل خطر در رشد کودک است که منجر به رشد اجتماعی مطلوب، خودکنترلی رشد هیجانی و رشد تحصیلی کودکان می‌شود.^۴ بالطبع در محیط‌های پر جمعیت، کودکان فراوانی نیز همراه با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند. هدف از این نوع پیشگیری، درمان ریشه‌ای کودک و نوجوان

1. Community Social Prevention

۲. منبع: خبرگزاری مهر ۹ دی ۱۳۹۷

3. Social Prevention Growth Circuit

۴. منبع: خبرگزاری قوه قضائیه «میزان» ۱، دی ۱۳۹۷.

است. ضمن اینکه در محیط‌های پرجمعیت، خرده فرهنگ‌های مجرمانه نیز شکل می‌گیرند که ناخودآگاه، کودکان و نوجوانان جذب این محیط‌ها می‌شوند.

پ) پیشگیری وضعی

یکی از شیوه‌های کنترل جرایم، نظریه‌ای است که به پیشگیری وضعی مشهور شده است. پیشگیری وضعی شامل «اقداماتی غیرکیفری است که هدفشان جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه‌ی مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد» (تعریف کوسون، به نقل از گسن، ۱۳۷۶، ۶۱۰). پیشگیری وضعی رویکردی است که بدون توجه به شخصیت مجرم، تلاش برای اصلاح آن یا حذف تمایلات مجرمانه، صرفاً به دنبال کاهش فرصت‌های مجرمانه است. این نوع پیشگیری با تحلیل شرایطی که موجب ارتکاب انواع جرایم می‌شود، در پی تغییر مدیریت و محیط است؛ به طوری که رفتار مجرمانه مشکل‌تر، خطرناک‌تر، کم‌مزیت‌تر و دارای توجیه‌پذیری کمتری شود. اقدام‌های پیشگیرانه وضعی شامل قبل و بعد از وقوع جرم می‌شود.

هدف از پیشگیری وضعی، اتخاذ تدابیری است که بهای عمل مجرمانه را بیش از سود حاصل از آن کند. همچنین ممکن است به شکل حذف دستاویزی باشد که مجرمان می‌توانند برای فرار از مسئولیت به آنها استناد کنند؛ مانند اندرزه‌ها و هشدارها در مغازه، بازرسی، کنترل و... (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۲۶). البته ممکن است روش‌های این نوع از پیشگیری، نمایشی به نظر رسیده و مجرمان حرفه‌ای از آنها اطلاع یابند و با تغییر شیوه یا محل، به ارتکاب جرم مورد نظر خود پردازند. به همین دلیل، یکی از ایرادات مهم به شیوه پیشگیری وضعی، آن است که «ریشه‌ی اصلی جرم یا انگیزه‌ی ارتکاب آن از بین نرفته بلکه وقوع آن در زمان و مکان خاصی ممتنع شده است. از این رو، امکان وقوع آن در زمان و جای دیگری وجود دارد» (صفاری، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

تمرکز پیشگیری وضعی بر محیط‌هایی است که جرم در آن محقق می‌شود، نه بر کسانی که مرتکب جرم می‌شوند.

تقنین و اجرای قوانین از سوی پلیس، تنها روش یا بهترین روش کاهش جرم نیست و در بسیاری از موارد، تأثیر آن بر کاهش جرم نامشخص است. برای تحقق پیشگیری از جرم، باید از مرزهای متعارف حقوق کیفری و مجریان آن فراتر رفت و جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... را به صورتی فعال دخیل کرد.

کلارک^۱ در مورد پیشگیری وضعی از جرم طراحی محیطی معتقد است جرم و تخریب در بلوک‌های آپارتمان‌ها با به کارگیری آیفون‌های تصویری یا قرار دادن نگهبان در ورودی آپارتمان‌های بزرگ به شدت کاهش می‌یابد. برخی شرایط و ویژگی‌هایی که از دیدگاه وی منشأ جرم بوده، مانند ارتفاع و وسعت زیاد مناطق مسکونی که موجب تراکم بی‌رویه جمعیت می‌شود، دسترسی آسان افراد خطرناک به داخل ساختمان‌ها، مقررات عبور و مرور آسان که داخل ساختمان‌ها را به هم وصل می‌کند و تمرکز زیاد خانواده‌های پرجمعیت در یک ساختمان بیان شده است (Clarke, 1984: p10).

رعایت نکات ایمنی در ساخت و سازهای شهری اهمیت دارد. با ساخت مجتمع‌های تجاری در یک محل و استفاده از شبگرد و نگهبان، ضریب حفاظتی آن اماکن کاملاً حفظ می‌شود. اجبار به احداث پارکینگ برای منازل، بخصوص در آپارتمان‌ها و مجتمع مسکونی از جمله اقداماتی است که علاوه بر جلوگیری از سرقت وسایل نقلیه، باعث وجود ترافیک روان در خیابان‌ها خواهد شد (هاتفی اردکانی، ۱۳۸۱: ص ۱۳۱).

در استان البرز به نقل از فرمانده انتظامی کرج^۲، بیشترین تمرکز جرایم در این شهر است؛ به دلیل اینکه شهر کرج، متشکل از فرهنگ‌ها و قومیت‌های متنوع است و این موضوع به گم بودن افراد در جمعیت کمک می‌کند که نتیجه آن، میل به افزایش جرم است. برخلاف شهرهای هشتگرد و نظرآباد که غالب افراد ساکن بومی هستند، در این شهرها، یک دست بودن جمعیت، اولاً پیوستگی اجتماعی را به دنبال دارد و از سوی دیگر محدودیتی را برای افراد ایجاد می‌کند.

در این راستا، رئیس پلیس پیشگیری فرماندهی انتظامی استان البرز اعلام کرد که در این استان، طرح هوشمند امنیتی و انتظامی «مها» با هدف پیشگیری و دستگیری سریع سارقان، اجرایی شد. این سامانه اعلام خطر آنلاین و هوشمندی است که به صورت ۲۴ ساعته و به کمک

1. Clarck

۲. خبرگزاری تسنیم

حسگرهای حرکتی و لرزشی، هر نوع تهدید از جمله سرقت، زورگیری و غیره را در زمان حضور یا عدم حضور مالک، به مرکز هشدار الکترونیک اعلام می‌کند.^۱ یکی از مزیت‌های مهم این سامانه این است که مانند یک مأمور به صورت ۲۴ ساعته از همه اماکن شهروندان حراست می‌کند. با نصب سامانه هوشمند مها، در صورت هرگونه حادثه، پلیس بلافاصله در کمترین زمان ممکن، خود را به محل رسانده تا اقدامات پلیسی انجام شود. اکنون در استان البرز ۱۷۳ واحد صنفی و اماکن خصوصی به این سامانه متصل شده‌اند.

نتیجه‌گیری

رشد آهنگ شهرنشینی در کلانشهرهای بزرگ، در نتیجه مهاجرت‌های بسیار از شهرهای دور و اطراف سبب ایجاد تراکم جمعیت می‌شود و بدیهی است که با افزایش جمعیت، جرایم نیز در آن منطقه رو به افزایش باشند.

استان البرز، چهارمین کلانشهر ایران است که با توجه به روند لجام گسیخته مهاجرت در ایران و مهاجرپذیری در آن، می‌تواند زمینه ارتکاب جرایم گوناگون شود. در بین شهرهای استان البرز، شهر کرج به دلیل حضور ساکنانش که از فرهنگ‌ها و قومیت‌های متنوع هستند باعث کمبود نظارت همگانی می‌شود و در نتیجه، افزایش جرایم را به همراه دارد. در ایجاد جرایم در نقاط پرجمعیت، عوامل مختلفی دخیل هستند.

در این پژوهش، به بررسی عواملی پرداخته شد که می‌توانست زمینه‌ساز جرم در نقاط پرجمعیت شود:

الف) از بعد جغرافیای شهری:

بیان شد که با افزایش جمعیت در برخی نقاط، بهتر است که جغرافیدانان توجه ویژه‌ای به جرایم شهری و مکانیسم‌های مؤثر بر آن داشته باشند. آنچه در بررسی جغرافیای جرایم شهری اهمیت داشت، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی از نوع منفی و ناهنجار است؛ لذا با طراحی شهری مناسب، می‌توان زمینه‌های فرصت را از مجرمان گرفت. بیان شد که:

۱. منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران «ایرنا»

۱) **گسترش غیرمنظم بافت شهری** و عدم توجه به امکانات رفاهی و خدمات شهری، از مهمترین معضلات کلانشهر کرج است.

۲) **بافت‌های فرسوده** در استان البرز به دلیل فقر ساکنان و مالکان آنها و طراحی فضایی قدیمی که شامل فضاهای دنج و نفوذناپذیر بود میتواند زمینه‌ساز جرایم مختلف باشد.

۳) **با تحلیل کانون‌های جرم‌خیز** نسبت به محدوده جغرافیایی مشخص از طریق طراحی شهری مناسب می‌توان به شناسایی مکان‌های منحرف در مناطق پر جمعیت پرداخت.

ب) از بعد دانش جامعه‌شناسی:

گفته شد که در بعد روان‌شناسی محیطی و میزان تعلق افراد نسبت به محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، هرچه میزان تعهد اجتماعی افراد نسبت به محیط بیشتر باشد، جرم نیز کمتر اتفاق می‌افتد. حال آنکه القای احساس تعلق و تعهد به افراد فقیر و بیکار تا چه حد ممکن باشد، در گرو درایت ساکنانانی شایسته است که همانا وظیفه خدمتگزاری عمومی را در سطوح مختلف بر عهده دارند تا با فراهم کردن بسترهای لازم، بتوانند در زمینه‌های مختلف به افراد ساکن در این مناطق کمک کنند. راه‌اندازی سرای محلات، اقدامی مفید با هدف مدیریت شهری و ترویج فرهنگ شهروندی در شهر کرج است.

پ) از بعد دانش جرم‌شناسی:

با ریشه‌یابی عوامل بالقوه مؤثر در ارتکاب جرایم در این مناطق، گفته شد که فقر، بیکاری و نبود امکانات رفاهی در سطح جامعه، موجب مهاجرت‌های بی‌رویه به استان البرز و خصوصا شهر کرج به دلیل هم‌نشینی در کنار پایتخت شده است که در کنار عوامل بالفعل موجود در خود استان، همچون وجود زندان‌های بزرگ و چند مرکز حاشیه‌ای سبب بروز جرایم مختلف شده است. نبود امکانات رفاهی مناسب، نابرابری اجتماعی، وضعیت خانوادگی بد ساکنان مناطق پر جمعیت، فشاری را بر آنان تحمیل می‌کند که آنها را به سوی جرم سوق می‌دهد.

ت) در حوزه پیشگیری

بیان شد که با تمرکز بر پیشگیری از وقوع جرایم در این مناطق و با اتخاذ تدابیر جامع با روش‌های زیر در سطح استان می‌توان از وقوع جرایم تا حد زیادی پیشگیری نمود:

۱) راه‌اندازی سامانه «سجام» و طرح مشارکت عمومی مردم، در بعد پیشگیری

جامعه‌مدار در استان

۲) برگزاری کارگاه‌های آموزشی ویژه برای مدرسین در استان البرز به منظور ارتقای سطح

دانش والدین حتی در نقاط پرجمعیت در سطح پیشگیری رشدمدار

۳) راه‌اندازی سامانه «مه‌ها» و کمک پلیس در باب پیشگیری وضعی

پیشنهادات

۱- در بعد کلان:

ضمن مدیریت صحیح، برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از منابع ملی، سرمایه‌های داخلی و به کارگیری آنها در جهت رفاه حال شهروندان مان برای تولید به منظور کاهش نرخ بیکاری و از سویی بهبود اوضاع اقتصادی کشور که هر دوی آنان با توجه به آمارها و داده‌های جرم‌شناسان و اقتصاددانان از اهم اسباب افزایش نرخ جرایم هستند، می‌توان تا حد بسیاری هزینه‌های جرم را کاهش داد و وقت و هزینه‌ای که برای مبارزه با جرم صرف می‌شود، در جهات دیگر، برای شکوفایی کشور و البته استان البرز به کار گرفته شود.

۲- در بعد استانی:

الف) اجرای طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر کرج، نیازمند تدوین ضوابط و مقررات تشویقی و حمایتی است. بخشی از قطعات مسکونی واقع در بافت فرسوده، امکان انفرادی‌سازی دارند و بخشی از آنها که به دلیل کم بودن مساحت قطعه، ملزم به تجمیع هستند، در قالب ضوابط تشویقی مشمول الگوی تجمیع، می‌توانند نوسازی شوند. این مهم با مشارکت‌های مردم نهاد، امکان‌پذیر است.

ب) تراکم ساختار محلات از عواملی است که در کنار سایر ویژگی‌ها بر احساس امنیت تأثیرگذار است. بهتر است در برنامه‌ریزی‌های شهری، محلات به واحدهای خرد همسایگی

تقسیم‌بندی شوند که این امر، علاوه بر آنکه بر شناخت بیشتر شهروندان تأثیرگذار است، بر اندازه جمعیت ساکن در محل نیز تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، برنامه‌ریزی‌ها باید به گونه‌ای باشد که از خلوتی بیش از حد فضا در ساعات مخصوص، بویژه شب‌ها یا ازدحام و شلوغی بیش از حد جلوگیری کند. حد متعادلی از جمعیت و حضور شهروندان بر احساس امنیت تأثیرگذار است؛ بنابراین، علاوه بر اینکه باید اندازه پایه‌ی جمعیتی محلات متناسب باشد، باید طوری برنامه‌ریزی و عمل کرد که جمعیت در طول شبانه‌روز در حد متوسطی به نسبت سطح قرار گیرد؛ برای مثال، اگر در قسمتی از محله، فعالیت کاربری‌ها به گونه‌ای باشد که در شب، به یکباره تعطیل و فضا خلوت و غیرقابل دفاع شود، باید در آن، کاربری‌های شبانه را برای پویایی فضا و حضور مردم در شب طراحی کرد. همچنین، باید تا حد امکان از احداث ساختمان‌های بالاتر از پنج طبقه در محلات مسکونی جلوگیری شود تا از تراکم و فشردگی بیش از حد در فضای محلات با تدوین قوانین مربوط به آن ممانعت شود.

پ) بازنگری در قوانین کشوری و مقررات اداری، تعیین تهران و چند استان دیگر، ترجیحاً (استان‌های همسایه) به عنوان «استان‌های معین البرز» به منظور کاهش بحران افزایش جمعیت در این استان.

ت) شناسایی و ساماندهی مناطق پرجمعیت استان، بویژه شهر کرج و تمرکز حداکثری نیروهای انتظامی از طریق نیروهای گشتی در مناطقی که بیشترین آمار جرایم را دارند. ج) تشکیل شوراهای محله‌ای و جمعیت‌های خیریه در نقاط پرجمعیت، به منظور اعطای مزایا و وام‌های با سود کم به افراد کم درآمد ساکن در مناطق فقیرنشین در جهت رفاه آنان.

منابع

- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدآبادی، زهره و همکاران (۱۳۸۶)، رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب‌شناسی گیم‌نت‌های شهر تهران، تهران، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت.
- افشارکهن، جواد؛ رحیقی‌یزدی، محمد (۱۳۹۲)، تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر احساس امنیت شهری؛ مورد مطالعه: محلات منتخب شهر یزد، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال سوم، شماره ۸.
- بمانیان، محمدرضا؛ محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۷)، تحقیقی بر سنجش عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت شهری؛ نمونه موردی: شهر کرمان، فصلنامه مدیریت شهری، سال ۶، شماره ۱۹.

- بیات، بهرام و همکاران(۱۳۸۷)،(پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور) پیشگیری اجتماعی از جرم. تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، اداره کل مطالعات اجتماعی.
- پورموسوی، سیدموسی، زنگنه، سعید، عبدی ناصح، نرگس (۱۳۹۰)، تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرایم شهری، مطالعه موردی: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، فصلنامه پژوهش جغرافیایی انسانی، شماره ۷۷.
- تولایی، نوین(۱۳۷۹)، شکل شهر منسجم: مطالعه انسجام کالبدی شهر در اندیشه و عمل، رساله دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- رجبی‌پور، محمود (۱۳۸۲)، درآمدی بر پیشگیری مقتدرانه پلیس از جرم، فصلنامه دانش انتظامی.
- رمون، گسن (۱۳۷۶)، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری (ترجمه شهرام ابراهیمی)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹.
- شیرینی، عباس (۱۳۸۶)، نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری ناجا.
- صفاری، علی(۱۳۸۰)، مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴.
- صدیقی سروستانی، رحمت‌ا... (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آن.
- مارگارت شاو، دارابی، شهرداد (۱۳۹۴)، الگوهای بین‌المللی پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دهم، شماره ۳۴.
- عباسی‌ورکی، الهام (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل فضائی کانون‌های جرم‌خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه زنجان دانشکده علوم انسانی.
- قرایی، فریبا، راد جهانبانی، نفیسه و نازیال رشیدپور(۱۳۸۹)، بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری) نمونه موردی: مناطق ۲ و ۱۱ تهران، مجله آرمانشهر، سال سوم.
- کلانتری، محسن(۱۳۸۶)، شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره دوم، سال دوم، بهار.
- کلانتری، محسن(۱۳۸۲)، بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، رساله دوره دکتری دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- کلانتری، محسن و ابودر سالمی بیرامی(۱۳۹۰)، طراحی شهری و پیشگیری از بزهکاری، زنجان، نشر آذرکلک.
- معین،م(۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی(چاپ ۱)، تهران: چاپ سپهر.
- مقیمی، مهدی (۱۳۹۵)، سیاست‌ها و تدابیر سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم سایبری، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین،(۱۳۷۶)، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۹-۲۰.
- نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین(۱۳۹۵)، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی، دیپاچه در: ژرژ پیکا، جرم‌شناسی(چاپ چهارم)، تهران، میزان.
- هاتفی‌اردکانی، حسین (۱۳۸۱)، مسائل و جرایم مالی و اقتصادی سرعت، مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد ۶، تهران، انتشارات آگاه.

- هراندو گومز، بواندیا (۱۳۸۰)، جرایم شهری (ترجمه فاطمه گیوه چیان)، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

26. Bottoms, Anthony & Wiles, Paul (1995). *Crime and Insecurity in the City*, in: Fijnaut, Cyrille; Goethals, Johan; Peters, Tony & Walgrave, Lode (1995). *Change in Society, Crime and Criminal Justice in Europe, Volum I. Crime and Insecurity in the City*, Belgium: Kluwer Law International.

27. Brunet, James R. (2002). *Discouragement of Crime Through Civil Remedies: An Application of a Reformulated Routine Activities Theory*. *Western Criminology Review* 4 (1), 68-79.

28. *Control Benefits: Observations on the Reverse of Displacement*". *Crime Prevention Studies*, volume 2. Monsey, NY: Criminal Justice Press (accessible at www.popcenter.org).

29. Luo, X. (2012) *Spatial Patterns of Neighbourhood Crime in Canadian Cities: The Influence of Neighbourhood and City Contexts*, A thesis presented to the University of Waterloo for the degree of Master of Science in Geography, Waterloo, Ontario, Canada, 2012. <http://etd.ohiolink.edu/>

30. Felson, Marcus and Clark, Ronald V. (1998). *Opportunity Makes the Thief: Practical theory for crime prevention*. *Police Research Series Paper 98*.

31. Clarke, Ronald and David Weisburd (1994). *"Diffusion of Crime*

32- Fischer, C. (1982), *To Dwell among Friends*, Chicago, University of Chicago.

33. Pitner, R. O., Yu, M., & Brown, E. (2012). *Making neighborhood safer: Examining predictors of residents' concerns about neighborhood safety*. *Journal of Environmental Psychology*, 3

34. Foth, M. (2004). *Designing networks for sustainable neighbourhoods: A case study of a student apartment complex*. In G. Johanson & L. Stillman (Eds.), *Community informatics research network (CIRN) 2004 colloquium and conference proceedings*. 29 Sep – 1 Oct 2004 (Vol. 1, pp. 161–172). Prato, Italy. Gehl, J. (1987), *Life Between Buildings*, Van Nostrand Reinhold.

35. Shaw, C. R. & McKay, D. (1931), *social factors in juvenile delinquency, report on the cases of crime*. Vol 11, New York, Plenum press.